

مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش مورمونیزم

مجید توسلی رکن آبادی*

زهره سعیدی**

چکیده

مورمونیزم فرقه‌ای مسیحی است که در قرن نوزدهم در آمریکا پا به عرصه ظهور گذاشت. رشد چشم‌گیر آن در آمریکا و اروپا و انتظار جهانی شدن آن از منظر برخی جامعه‌شناسان شناخت آن را ضروری می‌سازد. لذا این مقاله به معرفی و توصیف ویژگی‌های آن فرقه همت می‌گمارد و به شیوه‌ای تاریخی به بیان زمینه ظهور، تولد و مرگ بنیان‌گذار، پیام مؤسس، فراز و نشیب، علل گسترش، کتب مقدس و آموزه‌های آن می‌پردازد.

مقاله حاضر وجوه تشابه و تمایز مورمونیزم با جریان اصلی مسیحیت را بررسی خواهد کرد و سازگاری آن را با فرهنگ آمریکایی تا حد کنار گذاشته شدن برخی آموزه‌ها به تصویر می‌کشد. هم‌چنین، نشان می‌دهد این فرقه چگونه با برجسته کردن آمریکایی‌های اسرائیلی تبار به دنبال ایجاد اورشلیم جدید در سرزمین مقدس آمریکا، با هدف آماده‌سازی جهان برای بازگشت مسیح بوده است.

کلیدواژه‌ها: فرقه، مورمون، قدیسین آخرالزمان، آمریکایی‌های اسرائیلی تبار، و احیای مسیحیت.

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران tavasoli@gmail.com

** مربی پژوهشکده مطالعات راهبردی فرهنگ (پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)

(نویسنده مسئول) z.saedi.88@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۹

۱. مقدمه

جهان شاهد تولد رو به رشد ادیان و مذاهب نوظهور است. شاید هر روز در جایی از جهان مذهبی متولد شود لکن بیش تر آن‌ها پیش از آن که فرصت طلوع یابند، غروب می‌کنند و تعداد کمی به زندگی خود ادامه می‌دهند. در میان ادیان و مذاهب نوظهور، مورمونیسیم، فرقه‌ای که بار دیگر مدعی پیوند زمین و آسمان و دریافت وحی شده است، از دل مسیحیت سر بر آورد، شکوفا شد و رشدی چشم‌گیر یافت.

مورمونیسیم خود را نه فرقه‌ای از مسیحیت بلکه «مسیحیت حقیقی» می‌انگارد و مدعی می‌شود که همهٔ کلیساهای مسیحی در اشتباه‌اند و حقیقت تحریف‌نشده و ناب فقط به دامان ایشان افتاده است. در حالی که سراسر تعالیم مسیحی در عقیده به تجسم الهی و ظهور ذات الوهیت در شخص عیسی مسیح متمرکز شده است، مورمونیسیم از این عقیده فراتر نمی‌رود و تفاوتش با جریان اصلی مسیحیت در دیگر موضوعات متبلور می‌شود.

همان‌طور که می‌دانیم دین مجموعه‌ای از باورها، سنت‌ها و روش‌های زیستن است و به دو بخش الهی و بشری تقسیم شده است. مطابق تعریف رایج، دین الهی به آیینی گفته می‌شود که کتاب آسمانی و پیامبر دارد و فرقه آیین برآمده از انشعاب یک دین است. از آن‌جا که مورمونیسیم از دل مسیحیت سر برآورده است، می‌توان آن را فرقه‌ای از مسیحیت دانست.

مورمونیسیم از طرفی با ادعای پیامبری جوزف اسمیت و دریافت وحی توسط وی خود را «دینی جدید» می‌پندارد و از طرف دیگر، مدعایش مبنی بر «احیای مسیحیت» بیان‌گر ارائه و احیای دین مبدأ است نه ظهور دینی جدید.

از آن‌جا که مورمونیسیم با جریان اصلی مسیحیت در آموزه‌های اساسی هم‌چون تثلیث و الوهیت مسیح همراه است، با چالش علم و دین که به طرح ناسازگاری علم و دین از سوی اندیش‌مندان مسیحی منجر شده است، هم‌چنان دست به گریبان است. برخی اندیش‌مندان مسیحی به ناسازگاری علم با دین در روش، موضوع و هدف رأی داده‌اند و در واقع، به ناسازگاری بخشی از هستی با بخشی دیگر از آن قائل شده‌اند. مورمونیسیم نیز با مبانی خود قادر نیست برای تعارض علم با دین مورد ادعایش پاسخی عقل‌پسند بیابد.

در اروپا و امریکا، تحقیقات گسترده‌ای در خصوص مورمونیسیم انجام گرفته و مقالات متعددی دربارهٔ آن نگاشته شده است اما در ایران به جز اشاره‌ای اجمالی در چند کتاب معدود تحقیقاتی کافی دربارهٔ آن صورت نگرفته، لذا تحقیق حاضر گامی است به سوی شناخت بیش تر مورمونیسیم و گشودن دری برای ورود به مباحث عمیق‌تر.

۲. از تولد تا مرگ بنیان‌گذار

۱.۲ میلاد بنیان‌گذار

جوزف اسمیت دوم (Joseph Smith²) (۱۸۰۵-۱۸۴۴) جوانی بسیار خوش‌قیافه و اهل مکاشفه بود. وی در ۲۳ دسامبر ۱۸۰۵ در بخش ویندزور (Windsor) شهر شارون (Sharon) در ایالت ورمونت (Vermont) ایالات متحده آمریکا از پدر و مادری فقیر متولد شد (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۰؛ شیب، ۱۹۸۷: ۶). اسمیت که کشاورزی مدرسه‌نرفته بود در چهارده‌سالگی مدعی مکاشفه‌ای با مضمون ضرورت احیا و بازگشت به انجیل شد و در هجده‌سالگی ادعای دریافت متون مقدس آیین مورمون را از فرشته‌ای به نام مورونی مطرح کرد (اسمارت، ۱۳۸۳: ۲؛ ۲۶۶؛ مولند، ۱۳۸۷: ۴۷۸).

۲.۲ زمینه ظهور

مذهب مورمون (قدیسین آخرالزمان) از درون فرهنگ آمریکایی قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، که تنوع دینی و انسانی گسترده‌ای داشت، ظهور یافت؛ فرهنگی که کلیسا، معبد، کنیسه و مسجد در آن هویتی مقبول یافته بود و علاوه بر آن، ادیان جدید نیز فرصت ظهور و حضور یافته بودند. جوزف اسمیت چهارده‌ساله مذهبی را بنیان گذاشت که از چنین متنی سر بر آورد و به‌زودی میلیون‌ها نفر بدان پیوستند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۸).

درواقع، کلیسای قدیسین آخرالزمان (LDS) (Later-day Saints) تحت تأثیر فرهنگ پیوریتن‌های نیوانگلند^۱ متولد شد. پیوریتن‌ها اولین مهاجران نیوانگلند بودند؛ پروتستان‌هایی که خود را منتخب خدا برای ایجاد «اورشلیم جدید» یا «شهر صهیون (Zion)» می‌انگاشتند. ایشان مدعی بازگشت به «خلوص» اولیه مسیحیت و تجسم اراده الهی بودند. پیوریتانیسم در اواخر قرن هجدهم رو به زوال نهاد و اوایل قرن نوزدهم، اولین مورمون‌ها در چنین فرهنگی متولد شدند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۸).

مذهب مورمون متأثر از دو جنبش دینی بود. اولین جنبش (۱۷۵۰-۱۷۳۰) به دنبال احیای پیوریتن‌ها بود و مردم را به دریافت نجات الهی دعوت می‌کرد. دومین جنبش (۱۸۳۰-۱۷۹۰) که به غرب نیویورک (New York)، پنسیلوانیا (Pennsylvania)، اوهایو (Ohio)، کنتاکی (Kentucky) و تنسی (Tennessee) رسید، نجات را از طریق اراده آزاد انسان در دسترس همه قرار می‌داد. هر دو جنبش بر رابطه شخصی با خدا و

بازگشت به انجیل خالص باستان تأکید می‌کردند (همان: ۹). والدین جوزف اسمیت متعلق به این نسل بودند.^۲

درواقع، کلیسای LDS علاوه بر نوشیدن شیر از پستان این دو جنبش، در کشوری نوظهور پا به عرصه وجود گذاشت، کشوری که از سال ۱۷۶۰ تا ۱۸۰۰ موفق به کسب استقلال شد و آزادی بیان، کار، دین و باورهای شخصی را شعار خود قرار داد.

۳.۲ دریافت وحی

با فراگیر شدن جنبش احیا در اوایل قرن نوزدهم در نیوانگلند، والدین جوزف اسمیت ضمن طرف‌داری از این جنبش، متمایل به احیای دین خالص و در جست‌وجوی کلیسای حقیقی بودند (همان: ۹-۱۰). در چنین محیطی اسمیت نوجوان نیز به دنبال یافتن کلیسای حقیقی سرگردان شده بود. وی در سال ۱۸۲۰، پس از این‌که خلوتی عبادی گزید و در حالی که چهارده سال بیش‌تر نداشت، مدعی دیدار و گفت‌وگو با خدا شد. اسمیت پس از گذشت چهار سال از دریافت اولین وحی، در هجده‌سالگی ادعا کرد که فرشته‌ای به نام مورونی بر او ظاهر شده است و محل پنهان شدن «الواح زرین» (Gold Plates) را به او نشان داده است. وی مدعی شد الواح مذکور شامل متونی بوده است که به شرح مواعظ مسیح پس از رستاخیز پرداخته و درباره جمعیت بدوی امریکا اطلاعاتی داده است. هم‌چنین، اظهار کرد به کمک عینکی که کنار الواح زیر خاک قرار داشت، موفق به ترجمه آن‌ها شده و پس از گذشت سه سال، با پایان یافتن کار ترجمه متون، الواح را به فرشته مورونی پس داده است (همان: ۱۰، ۲۵).

بدین ترتیب، وی در سال ۱۸۳۰، در ۲۴ سالگی، کتاب مورمون را منتشر کرد و توجه عده زیادی را که در جست‌وجوی حقیقت بودند، به خود جلب کرد. وی به مدت ۲۵ سال (از ۱۴ تا ۳۸ سالگی) مدعی دریافت وحی شد و مأموریت الهی خود را «تأسیس مجدد کلیسای حقیقی مسیح» اعلام کرد. اسمیت ادعا کرد پس از این‌که خدا بر او متجلی شد، از خدا پرسیده است: «من باید به کدام کلیسا بپیوندم» و خداوند در پاسخ به او اظهار کرده است که همه کلیساها در اشتباه‌اند و وی باید کلیسای حقیقی را احیا کند» (همان).

درواقع، جوزف جوان به واسطه الهامات متقاعد شده بود که خداوند وی را برای شناخت و اعاده مسیحیت حقیقی از مسیحیت تحریف‌شده توسط انسان‌های خطاکار و شرور در طی تاریخ برگزیده است (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۰۸-۱۰۹؛ کارت ون گردن، ۱۹۹۵: ۷-۱۰).

۴.۲ سازمان‌دهی مذهب مورمون

اسمیت پس از این‌که موفق به انتشار کتاب مورمون شد، کلیسای خود را در سال ۱۸۳۰، تحت قوانین ایالات متحده آمریکا در نیویورک سازمان‌دهی کرد. کلیسای مذکور در سال ۱۸۳۸ به نام «کلیسای عیسی مسیح وابسته به قدیسین آخرالزمان» (Church of Jesus Christ of later-day saints) معروف شد و کسانی که بدان پیوستند مورمون نامیده شدند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۱؛ ایلاید، ۱۹۸۷: ۱۰/۱۰۹).

به‌زودی، اسمیت در کرتلند (Kirtland) اوهایو مستقر شد و به تأسیس جامعه‌ای مرفه و ثروت‌مند همت گماشت. البته این سیدنی ریگدن (Sidney Ringdon) بود که موفق به تأسیس فرقه مورمون در سال ۱۸۳۱ در اوهایو شد. وی برجسته‌ترین و بانفوذترین نوکیش بود که به تشویق اسمیت همه مردم اوهایو را به دین جدید درآورد. اسمیت هم‌چنین در سال ۱۸۳۴ شورایی دوازده‌نفره از رسولان، متشکل از وفادارترین حواریون، تشکیل داد. مقتدرترین رهبر بعدی دین مورمون متعلق به این شورا بود (همان: ۱۰۹-۱۱۰).

۵.۲ پیام اسمیت

دعاوی اسمیت درباره برخاستن مسیح از قبر، آمدن به سرزمین آمریکا و تعلیم/انجیل به اسرائیلی‌های آمریکایی وی را پیام‌آور ایجاد شهر خدا در آمریکا کرد.

اسمیت دو ایده «تداوم وحی» و «ایجاد اورشلیم جدید در سرزمین مقدس آمریکا» را پروراند. دو مفهوم «وحی» و «احیا» مفاهیمی محوری در دین مورمون هستند؛ بدین معنا که اراده خداوند از طریق وحی عملی می‌شود و خداوند کلیسای حقیقی خود را احیا می‌کند. اسمیت در کتاب اصول و پیمان‌ها (*The book of doctrine and covenants*) اظهار کرد که کلیسای مورمون احیای تعالیم همه پیامبران تاریخ است و شامل عناصری از سنن یهودی و مسیحی و عهدین است. وی اعلام کرد خداوند آمریکا را برای احیای انجیل برگزیده است، کلیسای مورمون «پادشاهی خدا» را در آمریکا برقرار و جهان را برای بازگشت مسیح مهیا کرده است (کتاب اول نافی، فصل سیزدهم؛ کتاب دوم نافی، فصل دهم؛ هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۲، ۳۰).

لذا مورمون‌ها هدف اصلی کلیسای LDS را آماده‌سازی مردم برای آمدن خداوند می‌دانند و معتقدند خداوند اورشلیم جدید را خواهد ساخت (همان: ۱۸).

۶.۲ امریکایی‌های اسرائیلی تبار

مورمونیسیم پادشاهی خدا را نه در اسرائیل دور بلکه در سرزمین مقدس امریکا به نمایش گذاشت. مطابق کتاب مورمون اولین ساکنان امریکا گروهی از اسرائیلی‌ها به نام جاردایت‌ها (Jaredites) بودند. گروهی از آن‌ها پس از واقعه تاریخی سقوط برج بابل^۳ و گروهی هم پس از تخریب اورشلیم، فلسطین را به قصد امریکا ترک کردند. بسیاری از آن‌ها پس از رسیدن به امریکا ایمانشان را از دست داده و نافرمان شدند و عده کمی به دینشان باقی ماندند (اسمارت، ۱۳۸۳: ۲/۲۶۷). بومیان امریکا از بازماندگان گروه دوم بودند، این گروه بعدها به دو گروه لامانیت‌ها (Lamanites) که سرخ‌پوستان از نژاد آن‌ها هستند و نفایت‌ها (Nephites)، که مسیح پس از رستاخیزش بر آنان ظاهر شد، تقسیم شدند.

پس از این‌که نفایت‌ها از بین رفتند، یک نفر از آنان به نام مورمون زنده ماند، تعالیم مسیح و همه وقایع را روی الواحی ثبت کرد و پسرش مورونی آن‌ها را زیر خاک مدفون کرد (ایلیاد، ۱۹۸۷: ۱۰/۱۰۹).

بر پایه کتاب مورمون، مسیح پس از به صلیب کشیده شدن از خاک برخاست، به امریکا رفت، ساکنان نیم‌کره غربی را ملاقات کرد، انجیل را به آنان آموزش داد و کلیسایی را در آن‌جا تأسیس کرد. مطابق کتاب مذکور، شرح این وقایع در الواحی زرین نگاشته شد و پس از گذشت قرن‌ها، مورونی در سال ۱۸۳۰ به صورت فرشته‌ای بر اسمیت ظاهر شد و محل الواح را به وی نشان داد. بدین ترتیب، مأموریت اسمیت برای احیای کلیسای قدیسین آخرالزمان به وی الهام شد.

۷.۲ مهاجرت با انگیزه مذهبی

اسمیت پس از تأسیس کلیسای خود، به همراه پیروانش از نیویورک به سمت اوهایو در کرتلند نقل مکان کرد اما به دلیل آزار و اذیت غیر مورمون‌ها، که تحمل شور و شوق و نظم مورمون‌ها را نداشتند، در سال ۱۸۳۸ کرتلند را به قصد میسوری (Missouri) ترک کرد. مورمون‌ها در میسوری هم آسایش نداشتند و حتی فرمان‌دار آن‌جا نیز به مخالفت با آن‌ها برخاست. در نتیجه مخالفت‌ها اسمیت به زندان افتاد و در سال ۱۸۳۹، پیروانش به ناو در ایلینوی (Illinois) مهاجرت کردند. پس از چندی اسمیت نیز به آن‌ها پیوست (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۲۸).

کفرگویی مورمون‌ها خشم بسیاری را برمی‌انگیخت و ادعای آن‌ها مبنی بر ایجاد سرزمین جدید خود، موجب اخراج آن‌ها از مکانی به مکان دیگر می‌شد. مورمون‌ها خود را قدیسین آخرالزمان می‌نامیدند و کلیسایشان را نشانه آخرین روزهای بشریت در نظر می‌گرفتند، آن‌ها در حالی که منتظر بازگشت قریب‌الوقوع خداوند بودند، با ذوق و شوق زیادی به ساختن شهر جدید ناوو (Nauvoo) همت گماشتند. مورمون‌ها معبدشان را در ناوو بنا کردند تا خود را برای ظهور پروردگارشان مهیا کنند. طی چند سال، ناوو به بزرگ‌ترین شهر در ایلینوی با بیست هزار نفر جمعیت بدل شد (همان: ۲۸-۲۹).

مورمون‌ها شهر زیبای ناوو را روی باتلاق و در امتداد رودخانه می‌سی‌سی‌پی بنا کردند. آن‌ها در عرض دو سال (تا سال ۱۸۴۱) باتلاق را تخلیه، صدها بنا ساخته و معبد و دانشگاهشان را در آن‌جا سازمان‌دهی کردند. پس از آن اسمیت منشوری تصویب کرد که به موجب آن مورمون‌ها می‌توانستند نیروی نظامی داشته باشند. منشور فوق به موافقت مجلس قانون‌گذاری ایلینوی نیز رسید (همان: ۷۰؛ ایلید، ۱۹۸۷: ۱۰/۱۰۹).

اسمیت مقتدرانه بر ناوو حکم‌فرما بود. وی مبلغانی را به اروپا فرستاد و نوکیشان را به ناوو فراخواند. آیین جدید افراد زیادی را که به دنبال سرزمین موعود خویش بودند، به خود جذب کرد لذا تا سال ۱۸۴۴ در حدود ۴ هزار نفر از اروپا به ناوو مهاجرت کردند (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۱).

۸.۲ مرگ اسمیت

موفقیت در ناوو باعث شد اسمیت پا را از حد خود فراتر گذاشته و به رهبری نظامی مورمون‌ها و نامزد شدن برای ریاست جمهوری بیندیشد. در سال ۱۸۴۴، اسمیت اعلام کرد برای برقراری ملکوت خدا بر زمین، نامزد انتخابات ریاست جمهوری امریکا خواهد شد؛ این موضوع خشم عمومی را به همراه داشت. به علاوه، بدعت‌های اسمیت مانند غسل تعمید مرده و به‌ویژه چندهمسری احساسات مذهبی غیر مورمون‌های بسیاری را برانگیخت. هم‌چنین، عقاید چالش‌برانگیز دیگری مانند عقیده به ازلیت انسان، تعدد خدایان، توانایی انسان در رسیدن به اولوهیت و انکار خلقت از عدم موجب هتک حرمت بیش‌تر غیر مورمون‌ها شد؛ لذا گروهی از ضد مورمون‌ها برای جلوگیری از خطر اختلاف عقیده تصمیم به قتل اسمیت و برادرش گرفتند (ارینگتون و بیتون، ۱۹۹۲: ۹۲؛ ایلید، ۱۹۸۷: ۱۰/۱۰۹-۱۱۰).

اسمیت بهانه لازم را به دست مخالفانش داد؛ هنگامی که سه تن از مورمون‌های مرتد اقدام به تخریب شخصیت اسمیت و انتشار مقالاتی علیه وی کردند. اسمیت که خود را در دفاع از اتهاماتی مانند خیانت و بی‌وفایی مجاز می‌دانست، با تخریب دفاتر روزنامه توسط نیروی نظامی به آن واکنش نشان داد. این مسئله خشم عمومی را به همراه داشت. به دنبال این وقایع حاکم (فرمان‌دار) ایلینوی برای مهار قدرت روزافزون این گروه مستقل دستور جلب اسمیت و برادرش را صادر کرد. چیزی نگذشت که اسمیت به همراه برادرش هیرام (Hyrum) (۱۸۰۰-۱۸۴۴) و دو تن از رسولان کلیسا به نام جان تیلور (John Taylor) (۱۸۰۸-۱۸۸۷) و ویلارد ریچارد (Willard Richards) (۱۸۰۴-۱۸۵۴) به زندان افتادند. در پی حمله انبوهی از ضد مورمون‌های خشمگین، اسمیت و برادرش هیرام به قتل رسیدند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۳۱).

تصور می‌شد قتل اسمیت در سال ۱۸۴۴، پایانی برای قدیسین آخرالزمان باشد اما بریگام یونگ (Brigham Young) موجب بقای آن شد.

۳. از اقتدار یونگ تا سازگاری با فرهنگ آمریکایی

۱.۳ جانشین اسمیت

پس از مرگ اسمیت، افرادی مدعی جانشینی وی شدند که پذیرش عام نیافتند تا این‌که بریگام یونگ (۱۸۰۱-۱۸۷۷)، یکی از رسولان کلیسا و کسی که هنگام مرگ اسمیت برای تبلیغ دینی در انگلستان به سر می‌برد، رهبری مورمون‌ها را به دست گرفت (همان: ۳۲-۳۳؛ بوشمن، ۲۰۰۸: ۱۳؛ ایلیاد، ۱۹۸۷: ۱۰/۱۱۰).

۲.۳ مهاجرت بزرگ به یوتا

یونگ می‌دانست کلیسا تحت نظر حکومت است لذا به فکر مهاجرت به سرزمینی دور از دسترس حکومت افتاد. وی با افزایش خشونت علیه مورمون‌ها در فوریه ۱۸۴۷، ۴ هزار نفر از آن‌ها را از ناوو به سمت ویتتر کوارتر (Winter Quarter) (فلورانس جدید New Florence) هدایت کرد اما با سخت شدن شرایط زندگی در آن‌جا، از جمله کمبود غذا در زمستان، حدود ۶۰۰ نفر کشته شدند. یونگ تصمیم به ترک آن‌جا گرفت و دستور سفر به درهٔ سالت لیک (Salt Lake Valley) در یوتا (Utah) را صادر کرد (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۳۳).

سرزمین مذکور که فلاتی غیر مسکونی بود و فقط قبایل سرخ‌پوست چادرنشین در آن سکونت داشتند، متعلق به مکزیک بود (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۲).

در پنجم آوریل ۱۸۴۷، یونگ همراه گروهی پیش‌رو، متشکل از ۱۴۳ مرد، ۳ زن و ۲ کودک، ویتتر کوارترز را به قصد درهٔ سالت لیک ترک کرد. وی پس از رسیدن به سالت لیک اعلام کرد این‌جا سرزمین موعود است. سپس مکانی را برای ساختن معبد جدید مشخص کرد. به‌مرور ۱۵ هزار مورمون به غرب مهاجرت کردند، آن‌ها به‌زودی در سراسر یوتا و سرزمین‌های اطراف مستقر شدند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۳۵-۳۴؛ مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۲).

یونگ در سالت لیک سیتی، بیابانی طبیعی و دست‌نخورده که حکم سرزمین موعود را برای مورمون‌ها داشت، شهری با بلوارهای وسیع تأسیس کرد. وی شورای شهر را در سال ۱۸۴۷ راه‌اندازی کرد و مجموعه‌ای از قوانین را در ۱۸۴۸ تدوین کرد (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۳۸). یونگ هم‌چنین مبلغانی را برای تبلیغ مذهب مورمون به اروپا فرستاد که به مسافرت نوکیشان به یوتا منجر شد. مورمون‌های سخت‌کوش و منظم به رشد اقتصادی و جمعیتی سریعی در یوتا، سرزمینی که پس از جنگ میان مکزیک و ایالات متحده به ایالات متحده واگذار شده بود، دست یافتند (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۲).

به‌تدریج، شهرک‌هایی در کالیفرنیا و مکزیک ساخته شد و یونگ نام دیسرت (Deseret) را که به معنای زنبور عسل و نماد شخصیت سخت‌کوش مورمون‌هاست، برای قلمرو وسیع مورمون‌ها برگزید اما دولت فدرال با آن نام مخالفت کرد و آن‌جا را مطابق نامی که ساکنان بومی امریکایی به کار می‌بردند یوتا نامید. ایالت یوتا به‌طور رسمی در سال ۱۸۵۱ به ثبت رسید (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۳۸).

۳.۳ تشکیل حکومت دینی

یونگ حکومتی دینی و استبدادی تشکیل داد. وی کسانی را که برخلاف دین مورمون رفتار می‌کردند به مرگ محکوم می‌کرد؛ کسی که مرتکب زنا یا قتل می‌شد با معیار «کفارهٔ خون» مجازات می‌شد که به موجب آن گردنش در کنار قبری خالی بریده می‌شد تا خونسش در آن جاری شود و بدین وسیله رستگار شود (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۳).

یونگ مهاجران را از شرق ایالات متحدهٔ آمریکا و سراسر اروپا در سرحد غربی آمریکا گرد هم آورد. مورمون‌ها بخش بزرگی از مهاجرت به سمت غرب را به خود اختصاص دادند. آن‌ها هفده سال در جست‌وجوی کوه مقدس اورشلیم به سمت غرب و در امتداد

مسیری طولانی از کوه‌های راکی (Rocky) تا کوه‌های سیرا (Sierra) در کالیفرنیا نقل مکان کردند و چون در جنگ مکزیک به امریکا کمک کرده بودند، خود را شایسته سرزمین مکزیک می‌دانستند. حدود نیمی از مناطقی که مورمون‌ها خواستار آن بودند به ایشان اعطا شد یعنی یوتا (Utah)، نوادا (Nevada)، بخش‌هایی از کلرادو (Colorado) و ایومینگ (Wyoming) که ایالت یوتا نامیده شد. مورمون‌ها با ایجاد شهرک‌هایی در کالیفرنیا، آیداهو (Idaho)، وایومینگ، آریزونا (Arizona)، کلرادو، نیومکزیکو، کانادا و مکزیک تا مناطقی فراتر گسترش یافتند و با تشکیل حکومت دینی، پادشاهی خدا را وارد جامعه انسانی کردند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۵۲).

درواقع، مورمون‌ها با ایجاد شهرک‌های کرتلند و ناوو جامعه و فرهنگ مذهبی خود را به راه انداختند و با ایجاد سالت لیک سیتی هویتشان را تثبیت کردند.

۴.۳ کشف طلا و دست‌یابی به راه‌آهن

یوتا نتوانست تا مدت زیادی یک ایالت صرفاً مورمونی بماند، با کشف طلا در کالیفرنیا و تأسیس راه‌آهن قاره‌ای، درهای این ایالت به روی مهاجران غیر مورمون بسیاری گشوده شد.

یکی از وقایعی که تأثیر زیادی در جامعه مورمون گذاشت، کشف طلا در شمال کالیفرنیا در ژانویه ۱۸۴۸ بود که هزاران کاشف طلا را به غرب کشاند. رویداد مذکور از طرفی باعث رشد چشم‌گیر شهر شد و از طرفی هم مشکلاتی را برای جامعه‌ای به همراه داشت که می‌خواست به روش خود زندگی کند. با وجود این، کالیفرنیا طی یک سال به ایالتی پرجمعیت تبدیل شد (همان: ۳۹-۴۰).

مورمون‌ها، تا سال ۱۸۶۹ برای حرکت از شرق ایالات متحده آمریکا به سرزمین‌های غربی، به توان اسب‌ها، قدرت گاوها و نیروی پاها وابسته بودند اما ساخت راه‌آهن قاره‌ای در سال ۱۸۶۹ و سهولت حمل و نقل، امکان مهاجرت هزاران مورمون را از دیگر کشورها به یوتا فراهم کرد. البته غیر مورمون‌های بسیاری هم راهشان را به آنجا گشودند و فساد و فحشایی را که رهبران کلیسا ده‌ها سال را صرف مبارزه با آن کرده بودند، به همراه آوردند. لذا راه‌آهن برای مورمون‌ها شمشیر دولبه‌ای بود که علاوه بر این‌که موجب گسترش دین مورمون‌ها شد، موجب فشارهایی از خارج نیز بر آن‌ها گردید (همان: ۴۵-۴۶).

۵.۳ کنار گذاشتن برخی آموزه‌های مورمون‌یسم

۱.۵.۳ چندهمسری

چندهمسری (Polygamy) یک قانون الهی بود که از جانب خدا به اسمیت، که خود با ۲۸ زن ازدواج کرد، نازل شده بود و به نظر می‌رسید محدودیتی هم برای آن وجود نداشت؛ به نحوی که ازدواج با ۴۳ زن هم ثبت شده بود. البته این یونگ بود که چندهمسری را در سال ۱۸۵۲ به صورت رسمی اعلام کرد (وردی، ۲۰۰۸: ۲۰۲؛ ایلپاد، ۱۹۸۷: ۱۱۰/۱۰).

چندهمسری در ابتدا فقط برای اسمیت مجاز شمرده شده بود، آن هم به واسطه الهامی که به همسرش اما شده بود: «و ای کنیزم اما اسمیت، بگذار همه آن کسانی را که به بندهام جوزف اسمیت اعطا شده‌اند دریافت کند و همه کسانی را که برابر من خالص و پاک‌دامن هستند». لذا اسمیت در سال ۱۸۴۳ چندهمسری را متداول کرد (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۱).

در آن موقع هیچ قانونی در دولت فدرال علیه چندهمسری وجود نداشت. مورمون‌ها که به پیروی از اسمیت خود را ملزم به اطاعت از قوانین می‌دانستند با چندهمسری قانونی را نقض نمی‌کردند اما واکنش‌ها نسبت به چندهمسری چندان مثبت نبود. با تشکیل حزب جمهوری خواه در سال ۱۸۵۴، مبارزه علیه برده‌داری و چندهمسری آغاز شد. بدین ترتیب، حکومت فدرال در سال ۱۸۵۷ یونگ را از فرمان‌داری یوتا برکنار کرد و در سال ۱۸۶۲ قانون منع چندهمسری را در همه ایالت‌های امریکا تصویب کرد (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۷۱). به دنبال تصویب این قانون، صدها مرد و زن مورمون زندانی یا مجبور به فرار شدند؛ با این حال مورمون‌ها مخفیانه اقدام به ازدواج با زن‌های متعدد کردند. دولت فدرال در واکنش به عمل مورمون‌ها با تصویب قانون ادموند تاکر (Edmond Tucker) اموال کلیسا را تصاحب و مدارس مورمون را تعطیل اعلام کرد (همان: ۸۶-۸۸).

دولت فدرال با فشار آوردن به مورمون‌ها می‌خواست تا آن‌ها خود را با زندگی امریکایی سازگار کنند. مورمون‌ها از طرفی می‌خواستند به آموزه‌های دینی‌شان پای‌بند بمانند و از طرفی هم خواستار این بودند که به عنوان شهروندانی محترم به رسمیت شناخته شوند. اما به نظر می‌رسید که آن‌ها نمی‌توانستند هر دو خواسته را با هم داشته باشند لذا آموزه چندهمسری را مورد بازنگری قرار دادند تا این‌که در سال ۱۸۹۰ رهبر مورمون‌ها، ویلفرد وودراف (Wilford Woodruff)، در بیانیه‌ای آن را ممنوع اعلام کرد. این امر موجب بهبود تعامل با دولت فدرال شد (همان: ۴۶، ۷۲ و ۸۶؛ ایلپاد، ۱۹۸۷: ۱۱۰/۱۰).

برخی مورمون‌ها زیر بار منع چندهمسری نرفتند و به خاطر آن از جانب کلیسا طرد شدند اما با این‌که میلیون‌ها مورمون در سراسر دنیا بدان گردن نهادند، هنوز لقب چندهمسری نسبت به قدیسین آخرالزمان از بین نرفته است.

۲.۵.۳ آرمان ایجاد شهر خدا در امریکا

در سال ۱۸۹۱ کلیسا پیشنهاد کرد ساکنان یوتا خودشان را با حزب جمهوری‌خواه تطبیق دهند؛ لذا وودراف طی چند سال بساط حکومت دینی ۶۰ ساله مورمون‌ها را برچید. به دنبال اقدامات کلیسای مورمون اوضاع تغییر کرد و کسانی که تا قبل از بیانیه ۱۸۹۰، با چند زن ازدواج کرده بودند، بخشیده شدند. حق رأی به همه ساکنان یوتا اعطا شد و حق داشتن منصب سیاسی برایشان محفوظ ماند. بدین ترتیب، در سال ۱۸۹۶ یوتا به یکی از ایالت‌های امریکا تبدیل شد. در واقع، مورمون‌ها با قربانی کردن «چندهمسری» و «آرمان ایجاد شهر خدا در امریکا» تغییر مسیر دادند و با پیوستن به امریکا از یک کلیسای رادیکال به یک کلیسای محافظه‌کار تبدیل شدند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۸۸-۹۱).

۴. عوامل گسترش مورمونیزم

۱.۴ رهبری دیوید مک‌کی

در سراسر قرن بیستم، مورمون‌ها خواستار حفظ یک طریقه متمایز زندگی در عین بهره‌مندی از احترام امریکایی بودند و می‌کوشیدند مورمونیزم را به همان شکل اصلی‌اش به سراسر جهان صادر کنند.

یکی از وقایع مهم در تاریخ مورمون‌ها که موجب گسترش مورمونیزم شد، انتخاب دیوید مک‌کی (David O. McKay) (۱۸۷۳-۱۹۷۰) به عنوان رهبر و پیامبر مورمون‌ها در سال ۱۹۵۱ بود. وی که سردمدار مبارزه با نژادپرستی در دهه پرنجنگال ۱۹۶۰ بود، با تشویق مورمون‌های اروپایی به ماندن در کشور خود به جای مهاجرت به یوتا و با شعار «هر عضو یک مبلغ دینی است»، به گسترش کلیسای مورمون در سراسر جهان کمک شایانی کرد. با سیاست‌هایی که دیوید مک‌کی در پیش گرفت اعضای این کلیسا در سراسر جهان تا سه برابر و نزدیک به سه میلیون نفر رسید و در بریتانیا، نیوزیلند و سوئیس معابدی ساخته شد. روش‌ها و ایده‌های مک‌کی در جهت گسترش جمعیت مورمون در امریکا به معنای شروع تأثیر بیش‌تر مورمون‌ها بر موضوعات سیاسی بود. نمونه بارز آن انتخاب میت رامنی

(Mitt Romney) (متولد ۱۹۴۷) به فرمان‌داری ماساچوست در نوامبر ۲۰۰۲ است. این انتخاب نمایان‌گر افزایش پذیرش اقلیت‌ها از جمله مورمون‌ها در امریکا است (همان: ۴۷-۴۸).

۲.۴ مبلغان مورمون

از دیگر دلایل گسترش فرقه مورمون روش تبلیغی مبلغانش است. مبلغان مورمون که اغلب ۱۹ تا ۲۶ ساله‌اند، داوطلبانه دو سال به کار تبلیغ دینی در سراسر جهان می‌پردازند. امروزه، تخمین زده می‌شود که ۶۰ هزار مبلغ داوطلب در بیش از دویست کشور در سراسر جهان فعالیت داشته باشند که ۱۸ درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند (همان: ۷۶-۷۷؛ ایلیاد، ۱۹۸۷: ۱۰/۱۱۱).

با توجه به اهمیتی که کلیسای LDS برای فعالیت‌های تبلیغی قائل شد، جمعیت مورمون‌ها در سراسر جهان رشد شگفت‌انگیزی یافت؛ به نحوی که در بیست سال گذشته تقریباً به دو برابر رسید (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۴۸).

با توجه به رشد بالای جمعیت مورمون‌ها که تا پیش از پایان قرن بیستم از ده میلیون نفر در سراسر جهان هم پیشی گرفت، برخی دانش‌مندان غیر مورمون به این چشم‌انداز رسیدند که شاید ما شاهد ظهور اولین دین جهانی جدید از زمان اسلام باشیم (استارک، ۱۹۹۸: ۱).

۳.۴ رشد اقتصادی و حمایت مالی

مورمون‌های سخت‌کوش که موفق به تأسیس ایالت وسیع یوتا در غرب امریکا شدند، طی سال‌ها توانستند به رشد اقتصادی بالایی دست یابند. این امر موجب شد که آن‌ها بتوانند نوکیشان زیادی را جذب مذهب تازه کنند (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۲). مورمون‌ها با اختصاص بخشی از درآمدشان به کلیسا که صرف کمک به نوکیشان می‌شد، به رشد مذهب جدید کمک کردند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۷۰). بدین ترتیب، این دو عامل به نحو چشم‌گیری موجب توفیق و گسترش مورمون‌یسم شد.

۵. کتاب مقدس

۱.۵ آثار استاندارد

اسمیت سه کتاب مقدس جدید را به پیروانش معرفی کرد: نخست، کتاب مورمون

(*The book of mormon*) که حاصل ترجمه الواح زرین اسمیت بوده و مکمل کتاب مقدس است؛ دوم، اصول و پیمان‌ها (*Doctrine and Covenants*) که مجموعه‌ای از مکاشفات جوزف اسمیت است و احکام و توصیه‌های خدا به وی و به کلیسای اولیه مسیح را شامل می‌شود؛ و سوم، کتاب *مروارید گرانبها* (*The pearl of great price*) که شامل سه بخش کتاب ابراهیم، کتاب موسی و سرگذشت جوزف اسمیت است. کلیسای مورمون علاوه بر این سه کتاب، از *انجیل شاه جیمز* (*The king james bible*) نیز بهره می‌گیرد که اولین بار در سال ۱۶۱۰ به زبان انگلیسی ترجمه شد. این چهار کتاب با هم دیگر «آثار استاندارد» مورمون‌ها را تشکیل می‌دهند.

۲.۵ کتاب مورمون

همان طور که می‌دانیم کتاب مقدس مسیحیان شامل عهد عتیق و عهد جدید است. کتاب مذکور مجموعه‌ای از کتاب‌هاست که به زبان‌های گوناگون و طی ۱۵۰۰ سال، تألیف و گردآوری شده است (توفیقی، ۱۳۸۱: ۲۳)؛ اما کتاب مورمون به جای این که در طی قرن‌ها جمع‌آوری شده باشد، یک‌باره و به طور کامل از آمریکا بیرون می‌آید. کتاب مورمون در بسیاری موارد شبیه کتاب مقدس است با این تفاوت که روایت آن در امریکای باستان واقع شده است نه در خاورمیانه (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۴). گرچه کتاب مورمون به عنوان کتاب مقدس مورمون‌ها پذیرفته شده است اما اسمیت آن را مکمل کتاب مقدس می‌دانست و نه جای‌گزین آن (ایلپاد، ۱۹۸۷: ۱۰ / ۱۰۹).

کتاب مورمون شامل فصولی با عناوین کتاب اول نافی، کتاب دوم نافی، کتاب یعقوب، کتاب انوش و غیره است. کتاب مذکور با بیان سرگذشت لحنی و همسرش آغاز می‌شود و نبوت و مکاشفه لحنی را درباره سرنوشت اورشلیم و آمدن مسیح بازگو می‌کند. وقایع کتاب اول نافی از زبان نافی، فرزند لحنی نقل می‌شود. وی به شرح زندگی خود و پدرش پرداخته است و اظهار می‌دارد که از میان فرزندان لحنی، لامان و لموئیل با پدر همراه نیستند اما نافی و سام سخنان پدر را باور دارند. نافی به بیان وقایعی همچون داستان موسی و گشوده شدن دریای سرخ، ساختن کشتی به فرمان خدا و سفر به ارض موعود، عصیان، توبه و سرنوشت قوم پرداخته و تاریخ آمریکا و کتاب مورمون را پیش‌گویی می‌کند.

کتاب دوم نافی شرحی است از مرگ لحنی، شورش برادران نافی علیه او و تیره شدن پوستشان به واسطه این عصیان. در این کتاب، ظهور مسیح، به صلیب کشیده شدن وی،

برخاستن از میان مردگان و نجات مردم به واسطه ایمان آوردن به وی به تصویر کشیده می‌شود. نافی از آمدن مسیح به سوی نافیایان خبر می‌دهد. عیسی خدای ازلی معرفی می‌شود که با قدرت روح‌القدس بر همه کسانی که به وی ایمان بیاورند، تجلی می‌کند. فصول بعدی کتاب به بیان سرگذشت نافیایان و لامانیان و دشمنی میان آن‌ها پرداخته و در خلال آن، اندرزها، نبوت‌ها و پیش‌گویی‌ها را بیان می‌دارد. سپس، در خلال بیان سرگذشت مورمون به تهیه گزارشی از الواح نافی توسط مورمون و تسلیم آن به پسرش مورونی اشاره می‌شود.

هم‌چنین، سرگذشت پادشاهان و انبیا ذکر می‌شود و پیش‌گویی انبیا بر آمدن مسیح مطرح می‌شود. برای مثال ایبادی نبی پیش‌گویی می‌کند که خود خدا به میان بنی‌آدم خواهد آمد، شکل انسان به خود خواهد گرفت و از آن‌جا که در جسم ساکن می‌شود پسر خدا نامیده خواهد شد. پدر و پسر یک خدا هستند. پسر پس از رنج‌ها و مصائب بسیار مصلوب و کشته خواهد شد و پدر به پسر قدرت می‌دهد که بنی‌آدم را شفاعت و گناهانشان را بازخرد کند.

ادامه کتاب شرح و تفصیل جنگ‌ها، درگیری‌ها و اختلافات میان نافیایان و لامانیان است که در خلال آن نبوت انبیای مقدس درباره ایمان، بازخرد، نجات، تعمید، توبه، رستاخیز، داوری، معجزه، معاد و غیره مطرح می‌شود. هم‌چنین، رفت و برگشت قوم به سوی خداوند، لعنت سرزمینشان به خاطر گناه و فرود آمدن شمشیر عدالت خداوند بر سرشان شرح و تفصیل داده می‌شود.

هم‌چنین، ذکر می‌شود مورونی که فرماندهی سربازان نافیایی را بر عهده داشت قومش را بازماندگان ذریه یعقوب و یوسف پیامبر می‌دانسته است. اما که مردی پارسا بوده است برای پسرش، حیلان، پیش‌گویی کرده بود که نافیایان چهارصد سال پس از زمانی که عیسی بر آنان تجلی می‌کند، بر اثر بی‌ایمانی ضعیف خواهند شد و بر اثر جنگ، بلا، قحطی و خونریزی نابود خواهند شد. حیلان گزارش کرده بود که لامانیان ایمان می‌آورند و پارسا می‌شوند و نافیایان شرور و آلوده می‌شوند.

کتاب سوم نافی به شرح آمدن عیسی به میان قوم نافی می‌پردازد: عیسی بر قوم نافی تجلی می‌کند. وی از آسمان پایین می‌آید و به سخن‌رانی برای قبایل گمشده اسرائیل در امریکا همت می‌گمارد. سخنانش همان است که در انجیل آمده است: «اینک من عیسی مسیح هستم که انبیا شهادت داده‌اند به جهان خواهم آمد. اینک من نور و حیات جهان

هستم و از جام تلخی که پدر به من داده است نوشیده‌ام و با گرفتن گناه جهانیان بر خود، پدر را جلال داده‌ام و با این کار از آغاز، اراده پدر را در همه امور به جای آورده‌ام» (کتاب سوم نافی، فصل یازدهم، آیات ۱۰-۱۱). عیسی درباره خود و پدر می‌گوید: «پدر، پسر و روح القدس یکی هستند و من در پدر هستم و پدر در من است و من و پدر یکی هستیم. هرکس به من ایمان بیاورد و تعمید یابد، نجات خواهد یافت و ملکوت خدا را به ارث خواهد برد و هرکس به من ایمان نیاورد و تعمید نیابد، ملعون خواهد بود» (همان: فصل یازدهم، آیات ۲۷، ۳۳ و ۳۴). عیسی دوازده شاگرد برمی‌گزیند و آن‌ها را از روح القدس پر می‌کند. شاگردان شروع می‌کنند به تعمید و تعلیم ایمان‌آوردگان. عیسی به میانشان می‌آید و مراسم نان و شراب را اجرا می‌کند و بیماران را شفا می‌دهد.

عیسی پس از بیان سخنانش درباره همه کتاب‌های مقدسی که دریافت کرده بود می‌گوید: «از شما می‌خواهم کتاب‌های مقدس دیگری را که نوشته‌اید، بنویسید» (همان: فصل بیست و سوم، آیه ۶). وی می‌گوید: «پدر دستور داده که من این کتاب‌های مقدس را که نداشته‌اید به شما بدهم؛ زیرا حکمت او اقتضا می‌کند که آن‌ها به نسل‌های آینده داده شود» (همان: فصل بیست و ششم، آیه ۲).

کتاب چهارم نافی درباره ایمان آوردن نافیاییان و لامانیان و تشکیل کلیسای مسیح در تمام سرزمین‌های اطراف توضیح می‌دهد. در این کتاب، اوصاف قومی سعادت‌مند که وارثان ملکوت خدا بودند به تصویر کشیده شده است. قوم مذکور با گذشت ایام به فساد گرایش پیدا کرده و کلیساهای گناه‌آلود تأسیس کردند.

بدین ترتیب، دوباره میان نافیاییان و لامانیان جنگ در گرفت و مورمون که رهبری نافیاییان را به عهده داشت پس از درگیری‌های زیاد در نهایت به دست لامانیان کشته می‌شود. پسرش مورونی الواح را حفظ می‌کند و در حالی که چهارصد سال از زمان آمدن مسیح گذشته است، گزارش قوم را می‌نویسد.^۴

۶. آموزه‌ها

عقاید مورمون‌ها با وجود بدعت‌هایی که داشت، در سال‌های اولیه تأسیس آن تفاوت قابل ملاحظه‌ای با مسیحیت پروتستان که از آن سر برآورده بود نداشت، اما با شروع دهه ۱۸۴۰، اسمیت و جانشینان او آیات و آموزه‌هایی را مطرح کردند که بسیار متفاوت با جریان اصلی مسیحیت بود.

۱.۶ ایمان

در حالی که نزد مسیحیان ایمان اقرار است به این‌که عیسی مسیح خدای ماست (رومیان، ۱۰/۸-۱۳)، مورونیسیم بر این باور است که ایمان عبارت است از «اعتقاد به این حقیقت که عیسی نجات‌دهنده جهان و جوزف اسمیت پیامبر راستین خداست» (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۴).

۲.۶ تعمید

تعمید راه ورود فرد به جامعه مسیحیت است و به معنای گواهی دادن به کارهای نجات‌بخش خدا به وسیله عیسی است. مطابق عقاید مسیحیان، خداوند به وسیله تعمید همه آثار زندگی و مرگ عیسی را عطا می‌کند. تعمید معمولاً با گونه‌ای از شست و شو انجام می‌شود، مثلاً با ریختن آب بر سر شخص، با نام پدر، پسر و روح‌القدس و در برخی کلیساهای پروتستان، تنها با نام عیسی صورت می‌گیرد (توفیقی، ۱۳۸۱: ۹۳) اما یک کشیش مورمونی به‌تنهایی می‌تواند با گستردن دست‌ها بر سر شخص روح‌القدس را اعطا کند. نزد مورمون‌ها تعمید می‌تواند به نیابت انجام شود؛ بدین معنا که یک مورمون زنده می‌تواند به نیابت یکی از بستگان مرده‌اش تعمید مجدد یابد (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۴-۴۸۵).

۳.۶ تثلیث و تعدد خدایان

مسیحیت رسمی در عین این‌که خود را موحد می‌داند، آموزه تثلیث را می‌پذیرد. طبق اعتقادنامه کالسدون، مسیح پسر یگانه خداوند است که در آن واحد هم بشر است هم خدا، از طرفی با پدر هم‌گوهر است و از طرف دیگر از هر جهت مانند ما انسان است (حکمت، ۱۳۷۵: ۶۳۶).

مورمون‌ها تثلیث را می‌پذیرند اما برخلاف سایر مسیحیان که خدا را یک موجود در سه شخص می‌دانند، برای خدا سه شخصیت متمایز در نظر می‌گیرند (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۵-۱۶). ایشان در عین این‌که معتقدند یک خدا وجود دارد که خدای زمین و راه‌نمای انسان به سوی نجات است، به خدایان دیگری هم باور دارند که خدای سیارات و موجودات دیگر هستند. بریگام یونگ می‌گوید که من نمی‌دانم چه تعداد خدا وجود دارد، اما زمانی وجود نداشته که خدایان و جهان‌ها وجود نداشته باشند. وی پیش‌تر رفته و می‌گوید نه تنها بسیاری خدایان

وجود دارد بلکه منجیان متعددی هم وجود دارد. بدین ترتیب، به نظر یونگ هر زمینی منجی و شیطان خود را دارد (جکسون، ۲۰۰۸: ۹۷).

مورمون‌ها عقاید اعجاب‌انگیز دیگری هم دارند که در مسیحیت رسمی جای‌گاهی ندارد، به نظر ایشان، خدا موجودی شبیه انسان دارای شکل فیزیکی و دارای همسر است و به عنوان خدای مادر شناخته می‌شود (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۵-۱۶). از آن‌جا که خدای پدر و خدای مادر دارای بدن فیزیکی هستند لذا قادرند میلیون‌ها فرزند روحانی متولد کنند. در زمان تولد، ذهن‌های ابدی با بدن‌های روحانی پوشیده می‌شوند و تبدیل به شخصیت روحانی می‌شوند (جکسون، ۲۰۰۸: ۱۰۱-۱۰۲؛ رابرت، ۱۹۹۸: ۷۱). قدیسین آخرالزمان بر این باورند که خدا واقعاً پدر روحانی ماست و ما ظرفیت‌های الهی را از او به ارث می‌بریم (جکسون، ۲۰۰۸: ۱۰۳). بریگام یونگ خدا را موجودی انسانی می‌داند که خود را به مقام خدایی رسانده است. به نظر وی هر انسانی موظف است، به مقام خدایی ارتقا پیدا کند (مولند، ۱۳۸۷: ۴۸۴).

۴.۶ برابر دانستن انسان با خدا

الهیات مسیحی خدا را موجودی روحانی، قائم به ذات، نامحدود و ابدی می‌داند (تیسن: بی تا: ۷۷-۷۳). خدای مسیحی دارای علم و قدرت مطلق است (همان: ۹۰). مطابق کتاب مقدس، خدای قادر مطلق خالق تمام هستی از جمله خالق انسان و روح اوست (اعداد ۱۶: ۲۲، جامعه ۷: ۱۲، اشعیا ۱۶: ۵۷، زکریا ۱: ۱۲، و عبرانیان ۱: ۹).

مورمونیسیم به قوانینی ازلی باور دارد که حتی خدا را هم در برمی‌گیرد. خدای مورمون‌ها مطابق این قوانین عمل می‌کند و لذا متعالی از قلمرو طبیعت نیست (جکسون، ۲۰۰۸: ۹۵). مورمونیسیم ضمن ازلی دانستن تمام موجودات، در توصیف موجودات ازلی، ذهن یا روح را موجودی می‌داند که نه آغازی دارد و نه پایانی و مانند خدا واجب‌الوجود است. به نظر ایشان ذهن ابدی است و توسط خدا خلق نشده است بلکه با خدا برابر است. ذهن ابدی این قابلیت را دارد که به جایگاه الوهی صعود کند و به طور کامل برابر با خدا شود. این ذهن‌های ازلی و ابدی عنصر اولیه انسان‌ها هستند (همان: ۹۵، ۹۶).

۵.۶ انکار خلقت از عدم

الهیات مسیحی خداوند را خالق تمام هستی، اعم از مادی و غیر مادی، می‌داند و معتقد است خداوند با اراده آزاد خویش جهان هستی را از هیچ آفریده است (تیسن، بی تا: ۱۱۰-۱۰۹).

جوزف اسمیت خلقت از عدم را بر نمی‌تابد و سازمان‌دهی جهان از ماده بی‌نظم را جای‌گزین آن می‌کند. وی می‌گوید این که کتاب مقدس می‌گوید خدا جهان را خلق کرد، استنباط می‌شود که معنای آن خلقت از عدم است حال آن‌که منظور خلق جهان از آشوب (chaos) است (جکسون، ۲۰۰۸: ۹۸).

جوزف اسمیت ماده را موجودی می‌داند که نه به وجود می‌آید و نه از میان می‌رود. به نظر وی، ماده ابدی است و صرفاً شکل متراکم و ناپایدار روح است. وی می‌گوید تمام ارواح در واقع ماده هستند، اما ماده رقیق‌تر و خالص‌تر که ما نمی‌توانیم آن را بینیم مگر این‌که خالص شویم. مورمون‌ها تأکید می‌کنند که وجود ماده غیر مادی توسط فیزیک جدید به اثبات رسیده است (همان: ۹۶، ۹۷).

۶.۶ انسان

طبق الهیات مسیحی، انسان متشکل از دو قسمت یعنی روح و بدن است؛ هم ذات مادی دارد و هم ذات غیر مادی. ذات مادی همان بدن اوست و ذات غیر مادی وی روح یا روان او است. روح مستقیماً توسط خدا خلق می‌شود (تیسن، بی‌تا: ۱۵۴-۱۵۸).

مورمون‌ها نیز انسان را موجودی با ماهیتی دوگانه، یعنی ماهیت روحانی و جسمانی، در نظر می‌گیرند؛ روح را ابدی و بدن را فانی می‌دانند. در عین حال معتقدند روح پیش از تعلق به بدن با خدا بوده است و پس از مرگ، به سوی خدا باز می‌گردد. به نظر آن‌ها روح پس از جدایی از بدن منتظر رستاخیز، که بازگشتی به زندگی است، می‌ماند، سپس، بدن پس از تعالی یافتن به موجودی فناپذیر، دوباره به روح می‌پیوندد (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۶).

به نظر مورمون‌ها، مردان و زنان پیش از تولد در یک وجود ابدی زندگی می‌کردند، در آن‌جا از هم جدا بودند و شخصیت‌های روحانی متمایزی داشتند و دارای آگاهی، اراده، مردانگی، زنانگی و مأموریت اخلاقی بودند (جکسون، ۲۰۰۸: ۱۰۲).

۷.۶ نجات

الهیات رایج مسیحی بر اساس عهد جدید معتقد است گناه آدم مرگ را به همراه آورد و طبیعت بشر را فاسد و تباه ساخت به نحوی که میل به گناه به بشر به ارث رسید. گناهی که موجب محکومیت بشر گردید گناه اصلی نامیده شد، اما محبت خدا آدم ثانی یعنی مسیح را

فرستاد که کفاره گناهان ما شود. خداوند پسر یگانه خویش را به شکل انسان مجسم کرد تا به صلیب رود، رنج بکشد و گناه آدم کفاره شود. لذا از این پس فیض خدا یعنی ایمان به مسیح بشر را نجات می‌دهد. بدین ترتیب، همان‌طور که یک گناه (گناه نخستین) طبیعت همه را فاسد کرد، یک عمل کاملاً نیک (مرگ مسیح) همه ایمان‌آوردگان را نجات داد. گناه آدم مرگ را در پی آورد و فیض خدا حیات جاودان را به بشر ارزانی داشت (رومیان، ۸:۵-۲۱؛ تیسن، بی تا: ۱۹۳).

اسمیت باور سنتی مسیحی درباره گناه اصلی را که می‌گوید: به خاطر نافرمانی آدم و حوا همه انسان‌ها گناه‌کار متولد می‌شوند، انکار کرد و نجات را، هم وابسته به فیض الهی و هم وابسته به اعمال انسان دانست. وی می‌گفت مردم اساساً خوب هستند و می‌توانند به مقام الهی دست یابند.

به نظر مورمون‌ها، نجات در دسترس همه است، اما کیفیت نجات هرکس به اعمالش در این زندگی، معرفتش نسبت به خدا و ارتباطش با خالق وابسته است (هانک و ویلیام، ۲۰۰۳: ۱۷، ۳۰، ۶۹).

۷. نتیجه‌گیری

دین پدیده‌ای است با هویتی تاریخی، که در بستر زمان جاری می‌شود و ضمن این‌که به مثابه یکی از عناصر مهم زیرساخت تمدن بشری ایفای نقش می‌کند، از فرهنگ و تمدن پیرامون خود نیز متأثر می‌شود. مورمونیزم نیز از این امر مستثنی نبوده در عین این‌که در برهه‌ای از زمان، فرهنگ و تمدن خاص خود را به جهان عرضه و از فرهنگ پیرامون خود نیز تغذیه کرد. مورمونیزم هویت خود را در یکی از کشورهای متنوع به لحاظ دینی آغاز کرد و در بستر فرهنگی تکامل یافت که نه تنها فرصت رشد را از او نگرفت بلکه در نوظهور بودن و فرهنگ مهاجرت نیز همراه و هم‌سوی هم شدند.

در حالی که بیش‌تر ادیان در امریکا محصولاتی وارداتی هستند، مورمونیزم در فرهنگ امریکایی متولد شد. لذا می‌توان گفت مورمونیزم فرقه‌ای نوظهور است که در کشوری نوظهور پا به عرصه وجود گذاشت و این تداخل میمون برای مورمونیزم فریبی آن را به همراه آورد.

مورمونیزم هدف خود را احیای شکل اصلی مسیحیت اعلام کرد و در عین پای‌بندی به اصلی‌ترین آموزه مسیحی مبنی بر تجسد خدای پسر، مذهب مکاشفه‌ای جدیدی را نیز بنیان گذاشت. اسمیت با تأسیس مجدد کلیسای عیسی مسیح در آخرین روزهای جهان،

تصورات احیاگرانه دوران کودکی خود را به منصفه ظهور رساند و در حالی که خواسته‌ها و رؤیاهایش را همانند مکاشفه تفسیر می‌کرد موفق به جذب مخاطبان بسیاری شد.

اسمیت اظهار داشت مسیحیت توسط انسان‌های خطاکار و شرور در طی تاریخ تحریف شده است. در واقع، غالب مذاهب نوظهور مسیحی با حقیقی خواندن خود، جریان اصلی مسیحیت را به چالش می‌کشند و مهر تأییدی بر تحریف آن می‌زنند.

اسمیت با آوردن بدعتی تازه دربارهٔ نژاد اقوام ابتدایی امریکایی آن‌ها را بنی‌اسرائیلی‌های گمشده‌ای معرفی کرد که مسیح را پس از برخاستن از مردگان ملاقات و پیامش را دریافت کرده‌اند. دستاورد مدعای فوق مقدس شمردن سرزمین امریکا، برگزیده دانستن مردمانش و بر حق خواندنش است، ادعایی که بیش‌تر به اسطوره‌سرایی می‌ماند تا استدلالی تاریخی.

اسمیت که مدعی دریافت الواح زرین از فرشتهٔ مورونی شده بود، با ادعای بازگرداندن الواح به فرشته، خود را از رونمایی الواح برای پیروان و منتقدان در امان نگه داشت. وی تدبیری دیگر اندیشید و در چاپ‌های رسمی کتاب خویش، امضای گواهان را مبنی بر رؤیت الواح بدان افزود.

وی از وجود عینکی در کنار الواح خبر داد و در حالی که آن‌ها را با اوریم و تمیم، که در سفر خروج (۲۸:۳۰) آمده است، تطبیق می‌داد، مدعی رازگشایی متون مقدس الواح به کمک آن‌ها شد، اما چگونگی رازگشایی متون مقدس توسط این عینک خارق‌العاده را بی‌پاسخ گذاشت. هم‌چنین، زبان الواح را زبان مصری اصلاح‌شده معرفی کرد که حتی برای مصرشناسان نیز نامعلوم مانده است.

اسمیت وعده داد خداوند می‌آید و اورشلیم جدید را می‌سازد. ادعای پادشاهی خدا در امریکا و فراهم کردن مقدمات بازگشت مسیح ایدهٔ انتظار را به تصویر می‌کشد. در واقع، ایدهٔ «سرزمین موعود» ایده‌ای یهودی است که به اورشلیم ختم می‌شود، اما در مورونیسیم تا امریکا تداوم می‌یابد. شاید بتوان آرمان «دست‌یابی به سرزمین موعود خویش» را انگیزه‌ای قوی در اقبال به آیین تازه و مهاجرت به سرزمین موعود از طرف نوکیشان به شمار آورد، ایده‌ای که با موضوع غالب امریکا در قرن نوزدهم، که مهاجرت به غرب بود، هم‌راه شد.

لذا می‌توان گفت آنچه موفقیت مورمون‌ها را به ارمغان آورد، انتخابی زیرکانه در زمان و مکانی مناسب بود. با نظر به تعداد مطلق مورمون‌ها، ناچیز بودنشان برملا می‌شود اما میزان رشد بالا و حیرت‌انگیزشان گویای موفقیت انکارناپذیر آن‌هاست و چه‌بسا، اگر میزان رشدشان همچون دهه‌های گذشته ادامه یابد، در آینده به مذهبی بزرگ تبدیل شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نیوانگلند (New England)، منطقه‌ای در گوشه شمال شرقی ایالات متحده متشکل از شش ایالت Massachusetts، New Hampshire، Maine، Vermont، Connecticut و Rhode Island است.
۲. پدرش جوزف اسمیت متولد ۱۷۷۱ و مادرش لاک‌ی اسمیت متولد ۱۷۷۵ بود.
۳. سفر پیدایش، باب ۱۱.
۴. مطالب مذکور در معرفی کتاب مورمون مبتنی بر مطالعه و گرده‌برداری از کتاب مورمون (نوشته جوزف اسمیت با ترجمه فاطمه توفیقی) توسط نویسنده است.

منابع

کتاب مقدس.

- اسمارت، نینیان (۱۳۸۳). *تجربه دینی بشر*، ج ۲، ترجمه محمد رضایی و ابوالفضل محمودی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اسمیت، جوزف (۱۳۸۶). *کتاب مورمون*، ترجمه فاطمه توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب. تیسن، هنری [بی‌تا]. *الهیات مسیحی*، ترجمه ط. میکائیلیان، [بی‌تا].
- گالووی، آلن [بی‌تا]. *پانن برگ: الهیات تاریخی*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط. مولند، اینار (۱۳۸۷). *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران: امیرکبیر.
- میشل، توماس (۱۳۸۱). *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب. ناس، جان بی (۱۳۷۵). *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.

Andrew, Jackson (2008), *Mormonism Explained: What Latter-day Saints Teach & Practice* Crossway Books. (Copyright © 2008)

Jack B. Worthy (2008). *The Mormon Cult: A Former Missionary Reveals the Secrets of Mormon Mind Control*. Copyright © 2008.

Shipp, Jan. *Mormonism: The story of a new religious tradition*. Illini Books Edition, 1987 © 1985 by the Board of Trustees of the University of Illinois Manufactured in the United States of America.

Kurt Van Gorden. *Mormonism*, Copyright © 1995, Edited Design by Art Jacobs, Printed in the United States of America.

Arrington, Leonard J. & Davis Bitton. *The Mormon Experience: A History of the Latter-Day Saints*, First Paperback Edition. 1992 Published by Arrangement with Alfred A. Knopf, Tnc © 1979, 1992. Manufactured in the United States of America.

Maxine Hanks with Jean Kinney Williams. *Mormon Faith in America*. Copyright © 2003.

Mircea Eliade, *The Encyclopedia of Religion*, Vol. 10.

Philip, R. Roberts with Td Davis and Sandra Tanner (1998). *Mormonism Unmasked*, Published by B & H Publishing Group.

Richard lyman Bushman. *Mormonism*, Copyright © 2008, Published by Oxford University Press.

Rodney Stark. *The Rise of a New World Faith, in Latter-day Saint Social Life: Social Research on the Church and its Members*. (provo, UT: Religious Studies Center, Brigham Young University, 1998).

Archive of SID